###### 28

###### azad

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**نشانه شناسي در فرايند بازيگري**

**استاد راهنما:**

**دانشجو:**

**چكيده:**

هدف از اين پژوهش استفاده از نشانه شناسي در فرايند بازيگري، به خصوص كنش وي و بازخورد آن در تاويل كنش توسط مخاطبان ميباشد.

اين مقاله سعي دارد به سوالات زير پاسخ دهيد:

1.درام، براي انتقال پيامهايش از چه نشانه هايي استفاده ميكند و تماشاگران چگونه معناهاي آن را در مي يابند؟

2.نشانه شناسي چه علمي است و الگوهاي كنشي كدامند؟

3.چگونه ميتوان به يك ساختار سه بعدي از كنش دست يافت؟

4.و در آخر، تاويل چيست و تاويل كنش به چه شكل صورت مي پذيرد؟

در اين پژوهش با روش مقايسه نظريه ها و تعميم آنها به ساختار مختصات سه بعدي كنش دست يافته ام كه اميدوارم قابل استفاده كارگردانان،‌ بازيگران و علاقمندان در درك بهتر من و اجراي تئاتري باشد.

نشانه چيست؟

«به گفته امربتو اكو «نشانه تمامي آن چيزهايي است كه بر پايه قراردادي اجتماعي و از پيش نهاده، چيزي را به جاي چيز ديگري معرفي ميكنند. نشانه شناسي نظريه اي است درباره دروغ»[[1]](#footnote-1)

«عناصر يك نمايش دراماتيك- از جمله زبان گفتگوها، دكور، حركت هاي بازيگران، لباس، چهره آرايي، زير و بم صداي بازيگران و بسياري از نشانه هاي ديگر هر يك به روش خود به پيدايش معناي آن نمايش ياري ميرساند. هر عنصر نمايش را ميتوان نشانه اي Sign دانست كه بخشي از معناي كلي يك صحنه، يك رخداد، يا يك لحظه رويداد را در خود دارد.»[[2]](#footnote-2)

نشانه شناسي

«نشانه شناسي، شاخه اي از دانش بشري است كه موضوعش نشانه ها و چگونگي كاربرد آنها براي ارتباط ميان انسان ها و براي انتقال معناست.»[[3]](#footnote-3)

تعريف نشانه شناسي از نظر كرالام عبارت است از: «علمي است كه به مطالعه چگونگي توليد معني در جامعه مي پردازد. بنابراين نشانه شناسي به يك اندازه به مساله فرايند هاي دلالت و ارتباطات، يعني به مطالعه شيوه هاي توليد و مبادله معني مي پردازد. نشانه شناسي دست كم به شكل آرماني- يك علم چند رشته اي (multidisciplinary) است كه يك هدف عام مشترك، يعني درك بهتر رفتار معنا دار استان، به آن وحدت مي بخشد.»[[4]](#footnote-4)

**ساختار گرايي و نشانه شناسي**

«فرديناند دوسوسور زبان شناس سوئيسي، اولين فردي بود كه در قرن حاضر با رويكرد جديدي به مطالعه زبان پرداخت. كتابش (دوره زبان شناسي عمومي) در سال 1915 يعني پس از مرگش منتشر شد. او معتقد به يك مطالعه ساختاري بود كه ابعاد در زماني (تاريخي) و همزماني (معاصر) زبان را شامل ميشد. وي ميان زبان (langue) و گفتار (parole) تفاوت قائل بود. تلقي زبان به عنوان يك نظام نشانه شناختي حاصل مطالعات سوسور بود. در اين نظام نشانه شناختي، نشانه زباني (زبان) بيشتر در اصطلاحات دو گانه اي همچون «دال» و «مدلول» يا «صدات تصوير» و «مفهوم» ارائه گرديد. هر دو وجه نشانه زباني اختياري اند. به همين دليل، زبان ميتواند نظامي خود تنظيم و انتزاعي و مستعد تاويل باشد. از تاثير متقابل شباهت ها و تفاوت هاي ميان دال هاست كه معنا توليد ميشود و براي درك اين معني به يك رويكرد ساختگرا نياز داريم كه در اين رويكرد «اجزاي» زبان در ارتباط با «كل» در نظر گرفته شوند.[[5]](#footnote-5)

در نظر ساختگرايان نظام نشانه اي بر چيز هاي عيني و ايده هاي ذهني اولويت دارد و اين اولويت جايگاه جهان ملموس مادي و مفهوم معمول حقيقت را به زير مي كشد. اين موضوع فلسفي عينيت بخشيدن به ايده ها در تداوم فلسفه متا فيزيك قرار دارد و بايد ردپاي آن را در ايده آليسم ابژكتيو يعني در فلسفه متافيزيك قرار د ارد و بايد ردپاي آن را در ايده آليسم ابژكتيو يعني در فلسفه هگل يافت چرا كه آن نيز بر نسبت دادن عينيت به ايده ها استوار است و هگل خود ادامه دهنده ديدگاه افلاطون و اسپينوزا است.

نظام ايده ها كه اين فيلسوفان جز گرا مطرح ميكنند در درون اذعان سوژه هاي فردي قرار ندارد. براي مثال مثل افلاطون در قلمرويي بي زمان بيرون از جهان تثبيت شده اند، يا از ديد اسپينوزا حالات و صفات خدا، ذاتي و دروني هر گوشه اي از جهان است، چه انسان و چه غير انسان و از ديد هگل مقوله ها در جامعه انساني و در وراي هر سوژه فردي نهادينه شده اند.[[6]](#footnote-6)

« از نظر هگل، هنر نماد گرايانه هنوز در جهان مادي غوطه ور است. مطلق Absolute پنهان است (مطلق در فلسفه هگل: ايده Idea، خرد Mystery، جان آگاه Spirit و خدا) و صرفاً به صورت نما درآمده و به وضوح جلوه گر شده است.»[[7]](#footnote-7)

با نگاهي به نظريه مثل در كتاب جمهوريت افلاطون (غاري زيرزميني كه در آن مردماني به بند كشيده رو به ديوار و پشت به مدخل غاز نشانده اند. در بيرون آتشي روشن است و پرتو آن به درون غار مي آيد و روي ديوار غار،‌سايه اشيا ديده ميشود)، در مي يابيم كه آنچه ما مي بينيم همه حقيقت نيست، بخش كوچكي از آن است. اشيا و امور مثل كوه يخ شناور در اقيانوس هستند. بخش كوچك بيرون آمده از آب، نمايان است و بخش عظيم آن (حقيقت) در آب نهان نمادگرايان در پي يافتن آن بخش مخفي هستند و هر واقعيتي را دليل وجود واقعيتي ژرف تر و رمز آميز تر مي دانند.[[8]](#footnote-8) از طرف ديگر با توجه به معني «سمبل: نماد، نشانه، دال، رمز، آيت و نشانه اي از شي را امري كه شي يا امر ديگر را القا ميكند.»[[9]](#footnote-9) كه در نزديكي با علم نشانه شناسي است،‌و نيز به گفته يونگ درك تاب انسان و سمبول هايش هر چيز مي تواند اهميت سمبوليك پيدا كند: اشيا طبيعي،‌چيزهاي ساخت انسان، اشيا مجرد و ... در حقيقت همه جهان يك سمبل بالقوه است و در نهايت دقت در معني «سمبوليت» (: از استعمال كننده علائم رمزي، كسي كه با مهارت، افكار خود را با علايم و شواهد بيان ميكند) در كنار اين نكته كه «همه اشيا،‌روي صحنه تبديل به نشانه ميشوند»[[10]](#footnote-10) ميتوان تئاتر را اساساً سمبول دانست. از طرف ديگر با توجه به دسته بندي پيرس از انواع نشانه كه در ذيل خواهد آمد، ميتوان نماد را نوع سوم نشانه ناميد و در اين نظر هگل «هنر نماد گرايي متوجه «كشف» نيروي هاي مبهمي است كه در طبيعت و رويداد هاي اجتماعي،‌تاريخي و انساني وجود دارد» [[11]](#footnote-11) كشف را همان «تاويل و تفسير» به شمار آورد.

1. -از نشانه هاي تصويري تا متن احمدي ص32 [↑](#footnote-ref-1)
2. -دنياي درام ص10 [↑](#footnote-ref-2)
3. -همان ص10 [↑](#footnote-ref-3)
4. -نشانه شناسي تئاتر و درام ص11 [↑](#footnote-ref-4)
5. -نشانه شناسي متن و اجراي تئاتري ص16و17 [↑](#footnote-ref-5)
6. -نشانه شناسي كاربردي ص 66-64 [↑](#footnote-ref-6)
7. -نمادگرايي در ادبيات نمايشي جلد 1 ص 65 [↑](#footnote-ref-7)
8. -نماد گرايي. ناظر زاده جلد 2. نتيجه گيري و كليات ص 660 [↑](#footnote-ref-8)
9. -فرهنگ انگليسي به فارسي آرين پور. [↑](#footnote-ref-9)
10. -نشانه شناسي تئاتر مرام كرالام- در بازنمايي تئاتري همه چيز نشانه است. ص32 [↑](#footnote-ref-10)
11. -نماد گرايي در ادبيات معاصر ناضر زاده . جلد 1. ص64 [↑](#footnote-ref-11)